

نوع مقاله: ترویجی

بررسی نظریه کامپیوتری ذهن و برخی لوازم آن از منظر حکمت سینوی

qazavy.7626@chmail.ir

سیدمحمد قاضوی / دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه باقرالعلوم

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

چکیده

در میان مسائل فلسفه ذهن، نظریه کارکردگرایی، ذهن را یک کارکرد می‌داند که ورودی را به خروجی تبدیل می‌کند. براساس این نظریه، با پذیرش تحقق چندگانه حالات ذهنی، می‌توان حالات ذهنی را در غیر انسان نیز یافت. از آنجاکه کارکردگرایی بر نفی تجرد روح استوار است، دارای اهمیت خواهد بود.

از سوی دیگر، علم‌النفس سینوی، هم نفس و هم تجرد آن را اثبات کرده است. از جمله براهین برای اثبات نفس، برهان انسان معلق در فضا است و نیز برای اثبات تجرد نفس براهینی آورده که بر سلب ویژگی‌های بدنی و نفس جسمانیت نفس دلالت دارد. دیدگاه کارکردگرایی نیز لوازمی دارد که براساس حکمت سینوی مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت. از جمله اینکه تمایز اشخاص براساس نظریه کارکردی ذهن، مادی‌انگارانه است؛ درحالی که حکمت سینوی ملاک صحیح را نفس مجرد می‌داند. بنابراین براساس حکمت سینوی، نظریه کارکردی ذهن دچار اشکالات متعدد و اساسی‌ای است که نمی‌توان با وجود آنها از نظریه کارکردی ذهن دفاع کرد. این تحقیق در پی آن است که نظریه کامپیوتری ذهن و برخی لوازم آن را از منظر حکمت سینوی با روش تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: کارکردگرایی، ماشین تورینگ، هوش مصنوعی، ذهن، نفس، تجرد، این‌سینا.

مقدمه

فلسفه ذهن - که به مسائل مربوط به ذهن و ذهنیات می‌پردازد - معنای عامی دارد و شامل همه قوای معرفتی، روانی، ارادی و معنوی (روحي) انسان می‌شود. به عبارت دیگر، فلسفه ذهن به بررسی حالات ذهنی (Mental States) و ارتباط آن با امور فیزیکی می‌پردازد (خاتمی، ۱۳۸۱، ص ۱). از دیدگاه فیلسوفان ذهن، ذهن و نفس یکی هستند؛ با این تفاوت که نفس، جوهر است؛ ولی ذهن، هم می‌تواند جوهر باشد و هم می‌تواند نباشد (مسلمین، ۱۳۹۵، ص ۲). حدود سه قرن است که تحقیقات فلسفی در باب ذهن، بر دو پرسش متمرکز شده است:

۱. ذهنیات چه نوع اموری هستند؟ ۲. چگونه اذهان با بدن‌ها مرتبط می‌شوند؟

همین دشواری و پیچیدگی درباره ماهیت ذهن موجب شده که نظریات گوناگونی در باب ذهن و چگونگی رابطه آن با بدن، از سوی اندیشمندان و فیلسوفان ذهن ارائه شود. نظریاتی همچون، دوگانه‌انگاری جوهری (Substance Dualism)، دوگانه‌انگاری در ویژگی‌ها (Property Dualism)، رفتارگرایی (Behaviorism)، ترازوی‌انگاری (Parallelism)، حذف‌گرایی (Eliminativism)، پندارگرایی (Fictionalism)، تقلیل‌گرایی (Reductionism)، این‌همانی (Identity)، کارکردگرایی (Functionalism).

یکی از مسائل فلسفه ذهن، مسئله کارکردگرایی است. کارکردگرایی برای حل معضل ارتباط نفس و بدن، دیدگاهی در عرض این‌همانی ذهن و مغز و دوگانه‌انگاری طرح کرده است. اینان معتقدند که نسبت میان نفس و بدن، همانند نسبت میان سخت‌افزار و نرم‌افزار یک کامپیوتر است، که نه این‌همانی است و نه دوگانه‌انگاری. اولین کسی که روایت کارکردگرایی را با کمک ماشین محاسبه تورینگ (Machine Turing) پی‌ریزی کرد، هیلاری پاتنم (Hilary Putnam) بود. اندیشه یکسان تلقی کردن ذهن با کامپیوتر نیز پس از طرح کارکردگرایی به‌طور جدی در فلسفه ذهن مطرح شد. این اندیشه به دو مسئله می‌پردازد: نظریه کامپیوتری ذهن (Computational Theory Of Mind) و دیگر هوش مصنوعی (Artificial Intelligence). در این تحقیق بدین دو مسئله پرداخته خواهد شد. از آنجاکه هوش مصنوعی ادامه نظریه کامپیوتری ذهن است، در عنوان تحقیق تنها نظریه کامپیوتری ذهن آورده شد.

مسائل گوناگونی که در فلسفه ذهن درباره حالات ذهنی وجود

دارد، هریک به‌تنهایی به‌صورت جمله شرطیه مطرح شده و قائلین آن، به‌طور قطعی و جزمی آن را اثبات نکرده‌اند. اما از آنجاکه مجموعه مسائل فلسفه ذهن، به‌طور کلی، بر رویکرد مادی‌انگارانه (Materialism) (فیزیکیالیسم) (Physicalism) استوار بوده و آن را تلقی به قبول کرده و با اجماع مرکب، تجرد روح را انکار می‌کنند، در فلسفه اسلامی دارای اهمیت شده است. از سوی دیگر، به دلیل اینکه نفی تجرد روح مستلزم لوازم و پیامدهای بسیاری است - که بدان پرداخته خواهد شد - ضرورت می‌یابد که مسائل فلسفه ذهن در فلسفه اسلامی و علم‌النفس اسلامی مورد واکاوی دقیق قرار گیرد.

به‌نظر می‌رسد بتوان براساس نظریه کارکردی ذهن، ربات را یک انسان دانست که مستلزم نفی تجرد روح است. از این جهت با علم‌النفس فلسفه اسلامی درگیری پیدا می‌کند. برای تبیین این درگیری - در این تحقیق - تنها به حکمت سینوی اشاره می‌شود و نظریه کارکردی ذهن از منظر علم‌النفس سینوی مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد. در مقام نقد نیز به لوازم انسان‌انگاری ربات، اشاره خواهد شد.

در این تحقیق بیشتر، تمرکز بر نقد و ارزیابی مدل کامپیوتری ذهن از منظر حکمت سینوی است، تا بیان اشکالاتی که بر نظریه کارکردگرایی ماشینی (Functionalism Machine) در کتب فلسفه ذهن مطرح است.

نظریه کامپیوتری ذهن، در کتب متعددی مطرح شده است: *آشنایی مقدماتی با فلسفه ذهن* (خاتمی، ۱۳۸۱)؛ *فلسفه ذهن یک راهنمای مقدماتی* (ریونز کرافت، ۱۳۸۷)؛ *درآمدی به فلسفه ذهن* (مسلمین، ۱۳۹۱)؛ *درآمدی کوتاه به ذهن* (سرل، ۱۳۹۲). اما به‌نظر می‌رسد محل تلاقی و درگیری آن با علم‌النفس سینوی و نیز لوازمی که دیدگاه مادی‌انگار کارکردگرایی بر علم‌النفس سینوی دارد، مورد بحث واقع نشده باشد. لذا نوآوری این تحقیق در بررسی همین نکته مذکور، با روش توصیفی - تحلیلی - انتقادی است.

در مقام بررسی نظریه کامپیوتری ذهن از منظر حکمت سینوی، بهتر است واژگان اساسی این عنوان مفهوم‌شناسی شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. ذهن (Mind)

براساس کارکردگرایی، ذهن نه دقیقاً امری ذهنی است و نه دقیقاً

۱-۱. کارکردگرایی

کارکردگرایی، ذهن را یک کارکرد می‌داند که ورودی را به خروجی تبدیل می‌کند. از آنجاکه کارکردگرایی ذهن را کارکرد می‌داند (مسلین، ۱۳۹۵، ص ۷۷)، به‌عنوان اعتراضی بر این‌همانی ذهن و مغز (Mind And Brain Identity) و دوگانه‌انگاری مطرح شد. اساساً کارکردگرایان معتقدند که نسبت میان نفس و بدن، همانند نسبت میان سخت‌افزار و نرم‌افزار یک کامپیوتر است که نه این‌همانی است و نه دوگانه‌انگاری.

براساس کارکردگرایی، حالات ذهنی در انسان می‌توانند تحقق چندگانه (Multiple Realization) داشته باشند (ریونز کرافت، ۱۳۸۷، ص ۸۸). به‌عنوان مثال حالت درد را در نظر بگیرید؛ این حالت در انسان با تحریک عصبی C تحقق می‌یابد؛ ولی در غیر انسان با تحریک عصبی D محقق می‌شود. بنابراین حالت درد دارای تحقق چندگانه است؛ یعنی در انسان به یک صورت و با یک علت خاص محقق می‌شود و در غیر انسان با علتی دیگر؛ درحالی‌که حالت درد در انسان و غیر انسان همان حالت درد است. این بدین معناست که خود رشته‌های عصبی مهم نیستند؛ بلکه کارکرد این رشته‌های عصبی مهم‌اند؛ به‌گونه‌ای که کارکرد می‌تواند در هر سیستمی که مکانیسمی مشابه این رشته‌ها داشته باشد، انجام گیرد.

بنابراین می‌توان ایده اصلی در کارکردگرایی را امکان قابلیت تحقق چندگانه حالات ذهنی دانست.

تحقق چندگانه حالات ذهنی، بستری برای شکل‌گیری دو نظریه کامپیوتری ذهن و هوش مصنوعی شده است. بدین بیان که با پذیرش تحقق چندگانه حالات ذهنی، می‌توان همین حالات ذهنی را در غیر انسان نیز یافت. به‌عبارت دیگر، حالات ذهنی یکسان می‌توانند از نظر فیزیکی به‌صورت‌های گوناگون محقق شوند (صبحی و همتی مقدم، ۱۳۹۱، ص ۱۸۷؛ خاتمی، ۱۳۸۱، ص ۱۸).

بنابر کارکردگرایی، حالات ذهنی شبیه به وضعیت‌های غیرفیزیکی‌ای است که در ماشین محاسبه‌ای مثل تورینگ وجود دارد و حالات مغزی شبیه به وضعیت‌های فیزیکی‌ای است که سخت‌افزار ماشین تورینگ است (همان). لذا می‌توان از تحقق چندگانه حالات ذهنی سخن گفت.

تحقق چندگانه حالات ذهنی را نیز می‌توان چنین توصیف کرد که ابزارهایی که از لحاظ فیزیکی کاملاً متفاوت هستند، می‌توانند در یک حالت محاسباتی واحد بوده و تنها یک فرایند محاسباتی را محقق کنند (ریونز کرافت، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳). بدین بیان که گرچه

امری فیزیکی؛ بلکه باید آن را به‌طور انتزاعی‌تر، کارکرد یا برنامه‌ای دانست که در سخت‌افزار مغز اجرا می‌شود و ورودی‌های حسی را به خروجی‌های رفتاری تبدیل می‌کند (مسلین، ۱۳۹۱، ص ۳۳).

۱-۲. نفس (Soul)

این‌سینا نفس را همچون ارسطو چنین تعریف می‌کند: کمال اول برای جسم طبیعی آلی (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ ق - ب، ج ۲، ص ۱۰). ایشان معتقد است که انسان در وجود خود، بدون واسطه و به نحو مستقیم، حقیقتی را درمی‌یابد که منشأ ادراکات و احساسات اوست و نام آن «نفس» است که غیر از بدن و اعضا و جوارح جسمانی اوست (ابن‌سینا، ۱۳۷۵ الف، ص ۸۰).

۱-۳. کارکردگرایی

کارکرد شیء، کاری است که شیء خاص انجام می‌دهد. کارکرد معمولاً گرفتن یک ورودی و تبدیل آن به خروجی است. بنا بر کارکردگرایی، ذهن یک کارکرد است، نه جوهر منطقی (مسلین، ۱۳۹۵، ص ۷۷). کارکردگرایی ذهن را برنامه‌ای می‌داند که روی سخت‌افزار مغز اجرا می‌شود و ورودی‌های حسی را به خروجی‌های رفتاری تبدیل می‌کند (همان).

۱-۴. حالات ذهنی

حالات ذهنی، هر رخداد یا فرایندی است که به وصف ذهنی متصف شود (خاتمی، ۱۳۸۱، ص ۵).

۱-۵. کامپیوتر

مراد از کامپیوتر، صفحه کلید یا صفحه نمایش آن نیست؛ بلکه مراد ویژگی محاسباتی و پردازش اطلاعات در کامپیوتر است (ریونز کرافت، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱).

۱-۶. نظریه محاسباتی (کامپیوتری) ذهن (Computational Theory Of Mind)

نظریه محاسباتی ذهن این است که ذهن در عمل پردازش اطلاعات ورودی و تبدیل آن به خروجی همانند کامپیوتر است (همان، ص ۱۳۷ و ۱۴۱).

۱-۷. هوش مصنوعی

هوش مصنوعی، ماشین محاسبه‌ای است که همان وظایف هوش طبیعی انسان را انجام می‌دهد (خاتمی، ۱۳۸۱، ص ۲۴).

ابزارهای فیزیکی متفاوت است، ولی حالت محاسباتی یکسان است. با توجه به آنچه بیان شد، نظریه کامپیوتری ذهن و هوش مصنوعی طرح می‌گردد.

۲. نظریه کامپیوتری ذهن

نظریه کامپیوتری ذهن معتقد است که ذهن و کامپیوتر شبیه هم هستند و کارکرد یکسانی دارند. این کارکرد، پردازش اطلاعات و تبدیل ورودی به خروجی است.

همان‌طور که پردازش اطلاعات به صورت متفاوت و در غیر از کامپیوتر نیز قابل تحقق است، پردازش اطلاعات ذهنی نیز می‌تواند در ساختاری غیر از ساختار انسان تحقق یابد. این بدین معناست که حالات ذهنی غیر حالات فیزیکی در انسان هستند والا حالات ذهنی قابلیت تحقق چندگانه را نداشتند.

بنابراین توصیف ورودی‌ها، خروجی‌ها و تغییرات حالات درونی، می‌تواند تعریف مشخص و دقیقی از کارکردگرایی ماشینی یا نظریه کامپیوتری ذهن باشد. با کمی دقت می‌توان به دست آورد که این کارکرد به صورت چندگانه می‌تواند محقق شود و ضرورتی ندارد که تنها به یک صورت محقق شود (صیوحی و همتی مقدم، ۱۳۹۱، ص ۱۸۶).

البته سرل این دیدگاه را هوش مصنوعی قوی می‌نامد؛ برخلاف دیگران که کارکردگرایی رایانه‌ای می‌نامند. در مقابل می‌توان هوش مصنوعی ضعیف را چنین بیان کرد که هدفش مطالعه ذهن از طریق شبیه‌سازی به رایانه است. به عبارت دیگر، اگر رایانه‌ای به گونه‌ای همانند ذهن برنامه‌ریزی شده باشد، حقیقتاً همان ذهن خواهد بود، نه اینکه صرفاً شبیه ذهن شده باشد (سرل، ۱۳۹۲، ص ۷۳).

بنابراین می‌توان مراد از کارکردگرایی ماشینی را چنین بیان کرد که ورودی خاصی را گرفته و با انجام مراحل جداگانه که نیازمند به هوش و بصیرت خاصی نیست، آن را به خروجی تبدیل کرد. اگر ماشینی چنین وصفی را داشته باشد، شبیه ذهن خواهد بود.

آلن تورینگ برای نشان دادن این مسئله، طرح ماشینی را ارائه داد که گرچه واقعی نیست و صرفاً خیالی است؛ ولی می‌تواند این مراحل و همسانی ذهن و کامپیوتر را به خوبی نشان دهد (مسلین، ۱۳۹۵، ص ۸۲).

نسبت میان ذهن انسان و ماشین تورینگ را می‌توان چنین توصیف کرد که ذهن انسان همانند ماشین تورینگ ورودی‌هایی را به شکل اطلاعات حسی و ادراکی می‌گیرد و آنها را به صورت رفتار به خروجی تبدیل می‌کند. البته این مراحل در انسان برخلاف ماشین ساده

و بسیط تورینگ، بسیار پیچیده و دارای مراتب است (همان، ص ۸۵). ارتباط ماشین تورینگ با نظریه کامپیوتری ذهن این است که ماشین تورینگ در حال شبیه‌سازی ذهن و کامپیوتر است؛ نه اینکه ماشین تورینگ همان هوش مصنوعی باشد؛ زیرا اساساً ماشین تورینگ یک فرض عقلی و خیالی است؛ اما هوش مصنوعی سخن از یک ماشین خارجی و واقعی می‌کند. البته ماشین تورینگ می‌تواند مقدمه‌ای بر طرح هوش مصنوعی خواهد بود.

۲-۱. ماشین تورینگ

مدعای اصلی در ماشین تورینگ این است که ماشین کامپیوتری بتواند همانند فرد انسانی اعمال و وظایف هوشمندانه خود را به خوبی انجام دهد (خاتمی، ۱۳۸۱، ص ۲۶).

ماشین‌های تورینگ، موتورهایی نحوی‌اند. به این معنا که هد ماشین تورینگ، تنها به ویژگی‌های نحوی (Syntactic Property) سمبل‌های روی نوار حساس است. به عبارت دیگر، کامپیوترها ابزاری هستند که سمبل‌ها را تنها براساس ویژگی‌های نحوی‌شان دست‌کاری می‌کنند؛ اما با این حال می‌توانند در جهت حفظ ویژگی‌های دلالت‌شناختی (Semantic Property) نیز برنامه‌ریزی شوند (ریونز کرافت، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷ و ۱۶۱).

بنابراین ماشین تورینگ مجموعه دستورالعمل‌هایی است که بیانگر رابطه میان ورودی، وضعیت ماشین و خروجی آن و نیز رابطه میان یک حالت درونی و حالت درونی‌ای دیگر است.

جان سرل ماشین تورینگ را چنین توصیف کرده است: ماشین تورینگ دستگاهی است که تنها با دو نوع نماد مثلاً صفر و یک، محاسبه را انجام می‌دهد. این ماشین نواری بی‌پایان دارد که نمادها روی آن نوشته می‌شوند و نیز دارای یک هد است که نمادها را از روی نوار می‌خواند. این هد، مطابق با مجموعه دستورالعمل‌ها، می‌تواند با حرکت به چپ یا راست، صفر یا یک را چاپ یا پاک کند. این دستورالعمل‌ها همیشه شکل یکسانی دارند و به یک‌گونه عمل می‌کنند. گرچه ماشین تورینگ یک مفهوم انتزاعی ریاضی است؛ ولی انواع رایانه‌ها به نوعی یک ماشین تورینگ هستند که قادرند در هر ثانیه میلیون‌ها عملکرد نمادین انجام دهند (سرل، ۱۳۹۲، ص ۷۴).

۲-۲. آزمون تورینگ

در تأیید نظریه کامپیوتری ذهن و نیز دفاع از هوش مصنوعی می‌توان از آزمون تورینگ استفاده کرد.

ص ۵۵). البته این مطلب را می‌توان با آزمون تورینگ - که بیان آن گذشت - تأیید و تحکیم کرد. بدین بیان که اگر کامپیوتر بتواند - در آزمون تورینگ - همانند مرد سبب گمراهی پرسشگر شود، کامپیوتر از هوش مصنوعی و کیفیات روان‌شناختی برخوردار خواهد بود. به‌نظر می‌رسد بتوان براساس آنچه از نظریه کارکردی ذهن و هوش مصنوعی طرح گردید، بیان کرد که کارکردگرایان معتقدند «ربات یک انسان است». حال این ادعا چه لوازم و پیامدهایی دارد، در این تحقیق بدان پرداخته خواهد شد.

۲-۴. حقیقت انسان

نظریه کارکردی ذهن، نگاهی مادی‌انگارانه به انسان دارد. این دیدگاه غیر از اینکه نفس را جوهر نمی‌داند، آن را مادی همچون بدن می‌داند. رویکرد پوزیتیویستی به انسان از خصوصیات نظریه کارکردی ذهن است. رویکرد پوزیتیویستی در میان نظریات فلسفه ذهن در غرب ریشه دوانیده است. حقیقت انسان در نظریه کارکردی ذهن، حقیقتی مادی است که مغز سخت‌افزار و ذهن (نفس) نرم‌افزار آن است. با توجه به ویژگی‌هایی که برای ذهن و حالات ذهنی ارائه می‌دهند، به‌نظر می‌رسد که حقیقت انسان، همان ذهن و حالات ذهنی باشد؛ که البته امری مادی است.

۳. نفس در نظریه کارکردی ذهن و هوش مصنوعی

با توجه به آنچه در تحلیل دیدگاه کارکردی ذهن و هوش مصنوعی گذشت، اکنون باید به پیامدهای آن در علم‌النفس پرداخته شود. مراد این است که علم‌النفس و اموری که متوقف بر آن است، براساس دیدگاه کارکردی ذهن و هوش مصنوعی چگونه قابل تبیین است و چه ساختار و ویژگی‌هایی دارد.

به‌نظر می‌رسد بتوان نفس و ویژگی‌های آن را از دیدگاه کارکردگرایانه چنین بیان کرد:

نفس، برنامه‌ای نرم‌افزاری بر روی سخت‌افزار (مغز) است که ورودی‌های حسی را به خروجی‌های رفتاری تبدیل می‌کند. مراد از برنامه، همان حالات ذهنی است.

نفس مادی و عرض است.

نفس بسیط نیست؛ بلکه مرکب است.

بنا بر مادی‌گرایی، نفس از سوی مبدأ عالی - که مجرد است - افاضه نشده است.

آزمون تورینگ چنین است، فرض کنیم یک پرسشگر و یک مرد و یک زن وجود دارند. مرد و زن در اتاقی هستند و پرسشگر خارج از اتاق است. پرسشگر قصد دارد با پرسیدن سؤالاتی تشخیص دهد که کدامیک زن است و کدامیک مرد. زن موظف است درست پاسخ دهد، ولی مرد بر آن است که پرسشگر را گمراه کند. حال فرض کنید جای مرد، کامپیوتری قرار دهیم، اگر کامپیوتر توانست همانند مرد، پرسشگر را گمراه کند، به معنای این است که کامپیوتر هم همچون مرد هوشمند است و می‌توان آنچه را که به مرد نسبت می‌دهیم، به او هم نسبت دهیم (خاتمی، ۱۳۸۱، ص ۲۶).

تورینگ مدعی است که می‌توان حداقل شرایط داشتن ذهنیت را در کامپیوتر نیز اجرا کرد. ماشین تورینگ مدعی است که اگر دو سیستم از نظر ورودی و خروجی معادل باشند، وضعیت روان‌شناختی مشابهی خواهند داشت.

براین اساس، می‌توان پذیرفت که در غیر از انسان نیز حالات ذهنی و وضعیت روان‌شناختی مشابه انسان وجود دارد و لذا می‌توان از نظریه کامپیوتری و هوش مصنوعی دفاع کرد.

۲-۳. هوش مصنوعی

این دیدگاه اندیشه یکسانی ذهن و کامپیوتر را از حیث امکان ساخت کامپیوتری که بتواند حالاتی مشابه حالات ذهنی انسان داشته باشد بررسی می‌کند.

اگر نظریه محاسباتی ذهن صحیح باشد، می‌توان حالات و فرایندهای ذهنی را توسط کامپیوتر دیجیتال ایجاد کرد؛ یعنی کامپیوتر ذهن داشته باشد. این نکته، شالوده اصلی هوش مصنوعی قوی است. هدف از برنامه هوش مصنوعی قوی، بسط برنامه‌هایی است که کامپیوترهای دیجیتالی آن را اجرا می‌کنند، دارای ذهن شوند. البته اگر هوش مصنوعی قوی نادرست باشد، نظریه محاسباتی ذهن نیز صحیح نخواهد بود. (ریونز کرافت، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵)؛ چراکه اساس هوش مصنوعی بر نظریه محاسباتی ذهن استوار است.

بنابراین هوش مصنوعی قوی و افراطی بر این مبنا استوار است که اگر بتوان کامپیوترهایی یافت که علاوه بر اینکه به روش انسانی، اعمال هوشمندانه انجام می‌دهند، واجد خصوصیات روان‌شناختی نظیر آگاهی، اراده و احساس باشند؛ می‌توان از هوش مصنوعی قوی سخن گفت و مدعی بود که هوش مصنوعی دارای حالات ذهنی و کیفیات روانی نظیر احساس، آگاهی و غیره است (سرل، ۱۳۸۲،

۴-۱. اثبات نفس

ابن‌سینا در بیان حقیقت انسان، با پرداختن به تمایز نفس و بدن، ابتدا وجود نفس را به‌طور مطلق اثبات می‌کند. ایشان دلیل دیگری نیز در التعلیقات ذکر می‌کند که مبتنی بر حرکت است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق - الف، ص ۶۳).

وی در تمایز نفس و بدن بیان می‌کند که ما در جهان اطراف خود، اجسام مختلفی را از قبیل نبات، حیوان و انسان مشاهده می‌کنیم که همه آنها دارای افعال و آثار خاص خود هستند، مثلاً از روی اراده، حس و حرکت دارند؛ یا دارای رشد و نمو و تغذی هستند و تولیدمثل دارند. این آثار باید دارای منشئی باشند، یا آنها را باید به جسمانیت آنها نسبت داد؛ یا چیز دیگری. اما نسبت دادن به جسمانیت نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا در آن صورت، لازم می‌آید که همه اجسام، دارای افعال و آثار مشترک باشند؛ ولی مشهودات ما خلاف این را گزارش می‌کند. پس باید در پی منشأ دیگری بود که فلاسفه آن را «نفس» نامیده‌اند؛ که تنها از جهت مبدأ این افعال و آثار بودن، آن را نفس می‌گویند؛ نه از جهت جوهریت آن؛ زیرا هنوز جوهریت آن را ثابت نکرده‌ایم. مثل این است که بدانیم، متحرکی را محرک نامعلومی حرکت می‌دهد؛ اما ماهیت آن محرک را نمی‌دانیم. از آنجاکه نفس مبدأ افعال است و افعال نیز با دخالت جسم و بدن انجام می‌گیرند، نتیجه می‌گیریم که هر شیء که نفس دارد، جسم است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق - ب، ج ۲، ص ۵).

بنابراین هم وجود نفس به اثبات می‌رسد و هم تمایز آن با بدن روشن می‌شود. آن نفسی که در این برهان اثبات می‌شود، اعم از نفس انسانی، حیوانی و نباتی است. اثبات نفس انسانی بخصوصه، در بخش بعد است.

ابن‌سینا در *الشفاء*، *الاشارات* و *التنبیها* و نیز رساله احوال النفس به مسئله حقیقت نفس انسانی و جوهریت آن پرداخته است. در اینجا تنها به برهان انسان معلق در فضا اشاره می‌شود.

۴-۲. برهان انسان معلق در فضا

ابن‌سینا می‌فرماید: «فرض کنیم که انسان در بدو خلقت در یک خلأئی خلق شده باشد؛ به‌طوری که برای یک لحظه، در هوا طوری معلق باشد که حتی فشار هوا نیز برای او محسوس نباشد و چشم‌ها و گوش‌هایش نبینند و نشنوند، حتی اعضای بدن خود را نیز احساس نکند. با اینکه کاملاً یک حالت فرضی است؛ اما چنین شخصی که از اجزاء حواس ظاهر و باطن بدن، و هر چیز خارجی و حتی فشار هوا یا نسیمی ملایم

بنا بر مادی‌گرایی، نفس نمی‌تواند علم به خود و آگاهی‌های خود داشته باشد؛ گرچه بنا بر توصیفاتی که برای حالات ذهنی دارند، نفس مبدأ تحریک، ادراک یا افعال دیگری از این قبیل است، همانند حکمت سینوی (داوودی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۵).

بدن زمینه پدید آمدن نفس را ایجاد می‌کند. نفس در ترکیب با بدن نوع طبیعی انسان را پدید نیاورده است؛ زیرا نفس عرض است؛ بلکه بدن (که البته اعراضی دارد) به‌تنهایی نوع طبیعی انسان را به وجود آورده است. ترکیب نفس و بدن، ترکیب صورت با ماده نیست؛ زیرا صورت جوهر است، ولی نفس جوهر نیست.

بدن علت بالذات نفس است، نه علت اعدادی آن؛ زیرا نفس کارکرد بدن است و اساساً وجودی جدای از بدن ندارد. نفس جزء مادی بدن است و در آن حلول می‌کند. نفس بر بدن و بدن بر نفس تأثیر می‌گذارد. نفس جسمانیة الحدوث و در بقا نیازمند بدن است؛ زیرا رابطه جوهر و عرض بین آن دو وجود دارد.

نفس پس از نابودی بدن، امکان بقا ندارد. نفس به تعداد بدن‌ها متکثر است و حتی می‌تواند در غیر بدن انسانی نیز تحقق یابد. امور فیزیکی متعددی می‌توانند دارای نفس باشند. علاوه بر فرد انسانی، امور فیزیکی دیگری (همچون کامپیوتر قوی، ربات) نیز دارای آگاهی، احساس و اراده هستند.

انسان تک‌بعدی و مادی است، پس حقیقت انسان بدن است؛ ولی تمیز ابدان از یکدیگر به‌واسطه یکی از اعراض آنهاست که همان ذهن - نفس می‌باشد (همان‌طور که تشخیص نفس در حکمت سینوی به اعراض نفس است).

از آنجاکه منکر امر مجرد هستند، نفس یک شیء مادی است. در ادامه، پس از آنکه علم‌النفس سینوی به اختصار طرح گردید، مسئله نفس براساس نظریه کارکردی ذهن و هوش مصنوعی از منظر حکمت سینوی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۴. علم‌النفس در حکمت سینوی

علم‌النفس سینوی ابعاد مختلفی دارد. همان‌طور که بیان شد، ابن‌سینا همچون ارسطو، نفس را چنین تعریف می‌کند: کمال اول برای جسم طبیعی آلی (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق - ب، ج ۲، ص ۱۰). در این تحقیق به‌صورت مختصر به برخی از ابعاد علم‌النفس سینوی اشاره می‌شود.

۴-۴. حدوث نفس

بنا بر اعتقاد/بن سینا، نفس جوهری مجرد است که با حدوث بدنی که قرار است بدان تعلق بگیرد، حادث می‌شود (ابن سینا، ۱۳۶۳، ص ۱۰۷). براین اساس، آن هنگام که حداکثر تعادل در مزاج حاصل شده و بدن آمادگی و صلاحیت پذیرش نفس را حاصل کرد، نفس بدان افاضه شده و در بدن جای می‌گیرد (همان، ص ۹۶).

ابن سینا در بحث حدوث نفس، ابتدا به احوال نفس قبل از تعلق به بدن پرداخته و متذکر می‌گردد که نفوس انسانی در نوع، متفق بوده و دارای ماهیت و صوره واحده‌اند و همچنین قبل از تعلق به بدن دارای کثرت عددی نیز می‌باشند.

ابن سینا در این بیان، تحقق و وجود نفس را پیش از تعلق به بدن باطل شمرده و تمایز میان نفوس را نیز به جهت تعلق به ابدان و قابلیت ابدان می‌داند (ابن سینا، ۱۳۷۹، ص ۳۷۵).

بنابراین در نظر/بن سینا، نفس با حدوث بدن و تعادل مزاج آن، حادث شده و بدان تعلق می‌گیرد و به تدبیر بدن و استکمال خویش پرداخته و بدن ابزار و مجرای فعل و استکمال آن خواهد بود (ابن سینا، ۲۰۰۷، ص ۹۷).

۵. نقد و بررسی لوازم نظریه کارکردی ذهن و هوش مصنوعی از منظر حکمت سینیوی

در مقام نقد و بررسی به تالی فاسدهای نظریه کارکردی ذهن و هوش مصنوعی و نیز به اشکالاتی که ممکن است نظریه کارکردی ذهن بر حکمت سینیوی وارد کند، اشاره خواهد شد. در مجموع آنچه ذکر خواهد شد، لوازمی است که «انسان‌نگاری ربات» به دنبال دارد. لذا با نقد و بررسی‌ای که صورت می‌گیرد، این ادعا که «ربات یک انسان است» و نیز به‌طور کلی، نظریه کارکردی ذهن و هوش مصنوعی از منظر حکمت سینیوی نقد می‌شود.

– حقیقت انسان براساس نظریه کارکردی ذهن چیست؟

رویکرد پوزیتیویستی که زمینه دیدگاه‌های فلسفه ذهن غربی در باب حقیقت انسان است، دچار اشکالات متعددی است؛ از جمله، خودشکن بودن اصل تحقیق‌پذیری تجربی؛ بی‌معنایی بسیاری از سخنان و گفتمان‌های انسان‌ها؛ مانند: هنر، زیبایی‌شناسی، احساسات، شعر، احکام اخلاقی و نیز بی‌معنایی علم و گزاره‌های علمی؛ معنایی گزاره‌های کلی و متافیزیکی (شیروانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴). رویکرد مادی‌انگاران به هستی و خصوصاً انسان، گرچه در فلسفه غرب به‌طور کلی رواج دارد، ولی با ادله‌ای که/بن سینا بر مجرد

نیز بی‌خبر است، باز می‌داند که «هست». بدین ترتیب انسان در وجود خود، بدون واسطه و به‌نحو مستقیم، حقیقتی را درمی‌یابد که منشأ ادراکات و احساسات اوست و نام آن «نفس» است که غیر از بدن و اعضا و جوارح جسمانی اوست» (ابن سینا، ۱۳۷۵ الف، ص ۸۰).

درواقع/بن سینا در این بیان، از راه ادراک، هم تمایز نفس و بدن و هم وجود نفس انسانی و هم مجرد آن را اثبات کرده است. آنچه ایشان در این برهان می‌گوید برهان به‌واسطه علم حضوری نیست؛ بلکه تنبیهی بر علم حضوری است که در آن انسان به خود، بی‌واسطه عالم و آگاه می‌شود.

۴-۳. تجرد نفس

مسئله تجرد نفس در این تحقیق، مسئله‌ای بسیار مهم و اساسی است؛ زیرا آنچه نظریه کارکردی ذهن و هوش مصنوعی بر آن دلالت دارد، نفی تجرد نفس و عقیده به مادی‌انگاری آن است؛ درحالی‌که مسئله تجرد نفس، شالوده مهم‌ترین مباحث اعتقادی درباره انسان‌شناسی، نبوت، معاد و حتی توحید و خداشناسی است. اما به دلیل اختصار به یک دلیل از ادله/بن سینا بر تجرد نفس اشاره می‌شود.

براهین اثبات تجرد نفس، براساس سلب ویژگی‌های بدنی و نفی جسمانیت نفس است.

برهانی که/بن سینا بیان می‌کند بر دگرگونی و رشد بدن و اعضای آن دلالت دارد. جسم و ماده بدنی دستخوش تغییر و دگرگونی است. به اعتقاد وی اگر فرایند تعقل به‌واسطه اعضای بدن باشد، وقتی بدن رشد می‌کند، اجزاء آن دگرگون می‌شود و این رشد و دگرگونی بالطبع باید در تعقل اثرگذار باشد؛ حال آنکه این امر، تأثیری در نفس و تعقل آن ندارد؛ پس نفس مجرد است (ابن سینا، ۱۳۷۵ ب، ج ۳، ص ۲۷۳).

بنابراین اثبات تجرد قوه عاقله، بر شناخت بدن و ویژگی‌های جسمانی آن استوار شده است؛ بدین صورت که تجرد قوه عاقله از طریق سلب و نفی ویژگی‌های بدنی و به تعبیر دیگر، جسمانی نبودن افعال و حالات این قوه به اثبات می‌رسد.

متناهی بودن افعال بدنی، نیازمندی بدن به ابزار مادی، ضعف و خستگی، کهولت، واجد تغییر، رشد، دگرگونی و... از ویژگی‌های جسم و ماده بدنی هستند که در براهین اثبات تجرد قوه عاقله، این ویژگی‌ها سلب شده و بدین طریق، مادی بودن و جسمانیت قوه عاقله نفی می‌شود و تجرد آن به اثبات می‌رسد.

اینکه این صورت‌های ادراکی را در خودمان می‌یابیم؛ به ناچار باید محل صورت‌های ادراکی غیرمادی و مرتبه‌ای از نفس باشد. در این صورت هم تجرد صورت‌های ادراکی اثبات می‌شود و هم تجرد نفس (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۶۲).

براساس حکمت سینوی، ملاک هویت شخصی امری مجرد است که ثبات شخصیت انسان را در دو زمان مختلف به عهده دارد (ر.ک: قاضوی، ۱۳۹۸، ص ۴۱).

آیا براساس نظریه کارکردی ذهن، نفس می‌تواند از مبادی عالیه بر غیر از بدن انسانی افزوده شود؟

طبق نظریه کارکردی ذهن که نظریه‌ای مادی‌انگارانه است، اساساً مجردات وجود ندارند، لذا نمی‌توان از مبادی عالیه که مجرد هستند، سخن گفت. پس براساس نظریه کارکردی ذهن، نفس از سوی مبادی عالیه افزوده نشده است. البته براساس نظریه کارکردی ذهن، نفس می‌تواند در غیر بدن انسانی محقق شود؛ همچنان که اساس نظریه کارکردی ذهن بر همین مسئله استوار است.

– از آنجا که براساس نظریه کارکردی ذهن، ذهن و حالات ذهنی در غیر فرد انسانی نیز محقق می‌شوند؛ آیا براساس حکمت سینوی، ذهن (نفس) از سوی مبادی عالیه می‌تواند بر غیر فرد انسانی همچون کامپیوتر قوی و ربات افزوده شود؟ به عبارت دیگر، وجه انحصار افزوده نفس به بدن چیست؟

پاسخ این سؤال را باید در مسئله اعتدال مزاج در بدن یافت. همان‌طور که – در مبحث حدوث نفس – بیان شد، اعتدال مزاج است که بدن را قابل و پذیرای تعلق نفس به آن می‌کند (ابن‌سینا، ۱۳۶۳، ص ۹۶). این اعتدال مزاج تنها در بدن انسانی تحقق یافته و در کامپیوتر قوی و هوش مصنوعی محقق نمی‌شود. لذا ابن‌سینا معتقد است که تنها بدن انسانی است که با ایجاد اعتدال مزاجی می‌تواند پذیرای نفس باشد. براساس حکمت سینوی، هنگامی که نفس از مبادی عالیه بر بدن انسانی فقط افزوده می‌شود، پس وجود ذهن و حالات ذهنی، در ربات و هوش مصنوعی به چه نحوی است؟

آنچه در کامپیوتر قوی و هوش مصنوعی وجود دارد، ذهن و مفاهیم ذهنی نیست؛ بلکه نماد و کدهایی است که بر ذهن و حالات ذهنی دلالت دارند. این نمادها که کارکرد ذهن را دارا هستند، مادی‌اند نه مجرد. ذهن و مفاهیم ذهنی توسط انسان به صورت نماد و کد، در کامپیوتر تعبیه می‌گردد تا هر نماد و کدی بر یک معنا و مفهوم خاص دلالت کند.

نفس آورد، نقض می‌شود. ابن‌سینا – همان‌طور که گذشت – دلایل متعددی بر تجرد نفس آورده که ذکر گردید. از سوی دیگر، نفس رویکرد مادی‌انگاری نیز دچار اشکالاتی است که در سؤال بعدی بدان پرداخته می‌شود.

با توجه به آنچه گذشت، حقیقت انسان براساس حکمت سینوی، امری مجرد است و هیچ نوع مادیتی را بر نمی‌تابد.

– هویت شخصی براساس نظریه کارکردی ذهن چیست؟

یکی از لوازم نظریه کارکردی ذهن، در مسئله ملاک هویت شخصی است. هویت شخصی مدعی است که شخص در زمان ب همان شخص در زمان الف است و این شخص در دو زمان الف و ب دارای این‌همانی است. مراد از این‌همانی، این‌همانی عددی و هستی‌شناختی است (ر.ک: قاضوی، ۱۳۹۸، ص ۲). براساس دیدگاه مادی‌انگارانه نظریه کارکردی ذهن، ملاک هویت شخصی، امری مادی است. این امر مادی سبب این‌همانی عددی شخص واحد در دو زمان الف و ب می‌شود. به نظر می‌رسد، ملاک هویت شخصی در نظریه کارکردی ذهن، ذهن و حالات ذهنی باشد که امری مادی است.

امر مادی به دلایل متعددی نمی‌تواند ملاک هویت شخصی قرار بگیرد که به برخی از آنها اشاره می‌شود. این دلایل رویکرد مادی‌انگارانه را نیز در باب حقیقت انسان نفی می‌کند (ر.ک: همان، ص ۶۴).

این دیدگاه نیز یک امر مادی را ملاک این‌همانی و هویت شخصی پذیرفته است. اما امر مادی همیشه در حال تغییر و نو شدن است؛ بدین معنا که امر مادی در طول زمان از بین می‌رود و دوباره یک امر مادی دیگر که همان خاصیت گذشته را داشته باشد، جایگزین می‌شود. در این وضعیت، این سؤال مطرح است که کدام‌یک از این امور مادی ملاک این‌همانی عددی هستند؟ با کمی دقت روشن می‌شود که هیچ‌کدام بر دیگری ترجیح ندارد.

دیدگاه کارکردگرایی مستلزم انکار امر مجرد است؛ درحالی‌که در رابطه با این مسئله، فیلسوفان بسیار سخن گفته و برای امر مجرد دلایل متعدد ذکر کرده‌اند (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۷۳).

محال بودن انطباق کبیر در صغیر نیز یکی دیگر از اشکالاتی است که به قائلان این دیدگاه وارد است. بدین معنا که ادراک را نمی‌توان امری مادی دانست؛ بلکه فقط فعل و انفعالات مادی تنها به‌عنوان شرایط اعدادی پذیرفته می‌شوند؛ چراکه ما صورت‌های بزرگی که چندین برابر کل بدنمان هستند را ادراک می‌کنیم و از آنجا که انطباق مادی بدون انطباق بر محل امکان ندارد و با توجه به

مبتنی بر این است که شخصی که در زمان کنونی مورد بازخواست اخلاقی یا کیفری شده است، همان شخصی باشد که در گذشته فلان فعل خاص را انجام داده است. اما رویکرد مادی‌انگارانه (نظریه کارکردی ذهن) در انسان قادر نیست شخص را در این دو زمان مختلف، یکسان تلقی کند.

اما حکمت سینوی، به دلیل داشتن ملاک صحیح هستی‌شناختی هویت شخصی یعنی نفس مجرد، قادر است شخص مذکور را در دو زمان مختلف یکسان تلقی کند (قاضوی، ۱۳۹۸، ص ۴۷). به عبارت دیگر، شخصی که در زمان کنونی مورد بازخواست اخلاقی یا کیفری واقع شده است، براساس داشتن نفسی مجرد، همان شخصی است که در گذشته فلان فعل خاص را انجام داده است.

حیات پس از مرگ طبق نظریه کارکردی ذهن چگونه ممکن است؟ اثبات بقای نفس، در واقع اساس و زیربنای اثبات معاد و زندگی ابدی را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، برای اثبات معاد باید تجرد و سپس بقای نفس را اثبات کرد. در علم‌النفس سینوی این دو امر بیان شد. مسئله حیات پس از مرگ در اندیشه اسلامی - همانند نظریه مادی‌انگارانه کارکردی ذهن - به صورت مادی نیز مطرح شده است. برخی از متکلمان اسلامی معتقدند که هویت شخصی و حقیقت انسان یک امر مادی - مثلاً اجزای اصلیه - است و انسان به واسطه همین امر مادی پس از مرگ باقی می‌ماند (ر.ک: قجاوند و طاهری، ۱۳۹۳).

نظریه کارکردی ذهن - فارغ از اینکه اساساً معتقد به حیات پس از مرگ هست یا نه و نیز فارغ از اینکه چه تبیینی می‌تواند ارائه دهد - به دلیل رویکرد مادی‌انگارانه‌ای که در حقیقت انسان دارد، منطقاً نمی‌تواند از حیات پس از مرگ سخن بگوید چراکه حیات پس از مرگ متوقف بر پذیرش یک امر غیر مادی در انسان است.

بنابراین هم نظریه کارکردی ذهن و هم دیدگاه برخی از متکلمان اسلامی در جسم‌انگاری حقیقت انسان، دچار اشکال است (ر.ک: قاضوی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۷؛ یوسفیان و خوش صحبت، ۱۳۹۱).

اما در حکمت سینوی، با پذیرش تجرد و بقای نفس می‌توان از حیات پس از مرگ سخن گفت؛ زیرا نفسی که مجرد است برخلاف امر مادی، قابلیت بقا دارد. براساس حکمت سینوی، نفس در صورتی به وسیله مرگ و با فساد بدن نابود می‌شود، که رابطه علی و معلولی بین نفس و بدن برقرار باشد؛ درحالی‌که چنین رابطه‌ای بین آنها نیست؛ بنابراین فساد بدن هیچ‌گونه نقشی در فساد نفس ندارد (عارفی، ۱۳۸۴).

- براساس نظریه کارکردی ذهن، از آنجاکه حالات ذهنی در مثل کامپیوتر نیز وجود دارد، درحالی‌که کامپیوتر مادی است؛ آیا باز هم می‌توان از تجرد محل حالات ذهنی دفاع کرد؟ با توجه به سؤال قبلی روشن می‌گردد که کامپیوتر قوی و هوش مصنوعی، دارای ذهن و حالات ذهنی نیستند؛ بلکه دربردارنده نمادهایی مادی هستند. لذا امر مادی‌ای چون کامپیوتر، دارای ذهن و حالات ذهنی که اموری مجرد هستند، نشده‌اند تا امر مادی، محل امر مجرد قرار گیرد.

- آیا براساس نظریه کارکردی ذهن، بدن همچنان علل اعدادی است یا چیزی فراتر از آن است؟ براساس حکمت سینوی، بدن شرط حدوث نفس و مرجع آن است (ابن‌سینا، ۱۳۶۳، ص ۱۰۵-۱۰۶). این شرطیت با علت اعدادی بودن بدن نسبت به نفس سازگار است.

اما براساس نظریه کارکردی ذهن، به نظر می‌رسد بدن امری فراتر از علت اعدادی باشد؛ چراکه ذهن، کارکرد و به‌گونه‌ای عرض نسبت به بدن (مغز) است. لذا به نظر می‌رسد، با توجه به رویکرد مادی‌انگارانه در این نظریه، بدن (مغز) علت هستی‌بخش نسبت به ذهن است. علم حضوری به خود، احساس و اراده از سوی کامپیوتر قوی چگونه ممکن است؟

سه مورد مذکور، همه از ویژگی‌ها و امور مربوط به امر مجرد است. از آنجاکه امور مذکور مجردند، محل آنها نیز باید مجرد باشد. امر مادی نمی‌تواند پذیرای امور مجرد باشد (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۷۳). باین حال، می‌توان عملکرد و کارکرد سه امر مذکور را به وسیله کد و نمادهایی در کامپیوتر قوی نیز بازسازی کرد. اما باید توجه داشت که آنچه در کامپیوتر قوی صورت می‌گیرد، کارکرد امور مذکور است، نه نفس آنها.

- طبق نظریه کارکردی ذهن، مسئولیت‌های اخلاقی، جزا و کیفرهای حقوقی چگونه قابل تحقق است؟

مسئله مسئولیت‌های اخلاقی و جزا و کیفرهای حقوقی، مبتنی بر پذیرش ملاک صحیح هستی‌شناختی هویت شخصی است. از آنجاکه نظریه کارکردی ذهن، تنها می‌تواند ملاک مادی‌انگارانه در هویت شخصی ارائه دهد و از سویی رویکرد مادی‌انگارانه مورد نقد واقع شد؛ لذا نظریه کارکردی ذهن در تبیین مسئولیت‌های اخلاقی و جزا و کیفرهای حقوقی دچار چالش خواهد بود. به عبارت دیگر، مسئولیت‌های اخلاقی و جزا و کیفرهای حقوقی

نتیجه‌گیری

از آنچه در این تحقیق بیان شد، به دست می‌آید که کارکردگرایی، ذهن را یک کارکرد می‌داند که ورودی را به خروجی تبدیل می‌کند. تحقق چندگانه حالات ذهنی در دیدگاه کارکردگرایی، بستری برای شکل‌گیری دو نظریه کامپیوتری ذهن و هوش مصنوعی شده است. بدین بیان که با پذیرش تحقق چندگانه حالات ذهنی، می‌توان همین حالات ذهنی را در غیر انسان نیز یافت. نظریه کامپیوتری ذهن معتقد است که ذهن و کامپیوتر شبیه هم هستند و کارکرد یکسانی دارند. این کارکرد، پردازش اطلاعات و تبدیل ورودی به خروجی است. می‌توان مراد از کارکردگرایی ماشینی را چنین بیان کرد که ورودی خاصی را گرفته و با انجام مراحل جداگانه که نیازمند به هوش و بصیرت خاصی نیست، آن را به خروجی تبدیل کرد. اگر ماشینی چنین وصفی را داشته باشد، شبیه ذهن و انسان خواهد بود. براساس این دیدگاه می‌توان برای نفس ویژگی‌هایی همانند: مادیت، ترکیب و... ذکر کرد که بیان آنها گذشت.

در مقابل دیدگاه کارکردگرایی، علم‌النفس سینیوی وجود دارد که هم با ادله‌ای اصل نفس را و هم تجرد آن را اثبات کرده که بیان شد. براینکه که/ابن‌سینا بر اثبات نفس آورده را می‌توان به مواردی تقسیم کرد که از جمله آن برهان انسان معلق در فضاست و نیز برای اثبات تجرد نفس براینکه آورد که همه آنها بر سلب ویژگی‌های بدنی و نفس جسمانیت نفس دلالت دارد.

لوازم دیدگاه کارکردگرایی براساس حکمت سینیوی نیز مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت؛ از جمله، تمایز اشخاص براساس نظریه کارکردی ذهن که نظریه مذکور نگاهی مادی‌انگارانه دارد و لذا از سوی حکمت سینیوی مورد نقد واقع شده است. براساس نظریه کارکردی ذهن، نفس از سوی مبادی عالی‌تر می‌تواند بر غیر از بدن انسانی نیز افاضه شود؛ اما براساس حکمت سینیوی تنها بدن انسان است که چنین قابلیت را دارد. وجود حالات ذهنی در هوش مصنوعی یا ربات، دلیل بر مادی‌انگاری حالات ذهنی و نیز محل آنها نیست؛ چراکه آنچه در هوش مصنوعی وجود دارد، تنها نماد و کدهایی بر مفاهیم ذهنی هستند. نظریه کارکردی ذهن به دلیل رویکرد مادی‌انگارانه در پذیرش و تبیین حیات پس از مرگ نیز ناتوان است.

بنابراین براساس حکمت سینیوی، نظریه کارکردی ذهن دچار اشکالات متعدد و اساسی‌ای است که نمی‌توان با وجود آنها از نظریه کارکردی ذهن دفاع کرد.

منابع.....

- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۶۳، *المبدأ و المعاد*، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی.
- ، ۱۳۷۵، الف، *الاشارات و التبیهاات*، قم، البلاغه.
- ، ۱۳۷۵، ب، *شرح‌الاشارات و التبیهاات*، قم، البلاغه.
- ، ۱۳۷۹، *النجاة من الغرق فی بحر الضلالت*، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- ، ۱۴۰۴، الف، *التعلیقات*، بیروت، مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ، ۱۴۰۴، ب، *الشفاء (الطبیعیات)*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ، ۲۰۰۷، *رساله احوال النفس*، پاریس، دار بیلیون.
- خاتمی، محمود، ۱۳۸۱، *آشنایی مقدماتی با فلسفه ذهن*، تهران، جهاد دانشگاهی.
- داوودی، علی مراد، ۱۳۸۷، *عقل در حکمت مشاء از ارسطو تا ابن‌سینا*، تهران، حکمت.
- ریونز کرافت، ایان، ۱۳۸۷، *فلسفه ذهن یک راهنمای مقدماتی*، ترجمه حسین شیخ‌رضایی، تهران، صراط.
- سرل، جان آر، ۱۳۸۲، *ذهن، مغز و علم*، ترجمه امیر دیوانی، قم، بوستان کتاب.
- ، ۱۳۹۲، *درآمدی کوتاه به ذهن*، ترجمه محمد یوسفی، تهران، نشر نی.
- شیروانی، علی و همکاران، ۱۳۹۱، *مباحثی در کلام جدید*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صبحی، علی و احمدرضا همتی مقدم، ۱۳۹۱، *نظریه‌های مادی‌انگارانه ذهن*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- عارفی، محمداسحاق، ۱۳۸۴، «مرگ و بقای نفس»، *الهیات و حقوق*، سال پنجم، ش ۵، ص ۷۱-۵۰.
- قاضوی، سیدمحمد، ۱۳۹۸، *بررسی تطبیقی ملاک‌های هویت شخصی از منظر اندیشمندان اسلامی و غربی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- قجاوند، مهدی و سیدصدرالدین طاهری، ۱۳۹۳، «جسم‌انگاری متکلمان درباره نفس (از قرن سوم تا قرن هفتم هجری)»، *انسان‌پژوهی دینی*، سال یازدهم، ش ۳۱، ص ۱۲۵-۱۴۶.
- مسلمین، کیت، ۱۳۹۱، *درآمدی به فلسفه ذهن*، ترجمه مهدی ذاکری، چ دوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ، ۱۳۹۵، *فلسفه ذهن*، ترجمه مهدی ذاکری، چ دوم، تهران، علمی و فرهنگی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۰، *آموزش فلسفه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- بوسفیان، حسن و مرتضی خوش‌صحبیت، ۱۳۹۱، «حقیقت انسان و تأثیر آن در تبیین حیات پس از مرگ از نگاه سیدمرتضی»، *معرفت کلامی*، سال سوم، ش ۲، ص ۴۸-۲۵.